خبرها

نشست «تاثیر قوانین بر زندگی زنان»

ایلنا: نشست «تاثیر قوانین بر زندگی زنان» یکشنبه ۵ شهریور به منظور معرفی کمپین «یک میلیون امضا برای تغییر قوانین تبعیض آمیز» از سوی جمعی از فعالان جنبش زنان برگزار می شود. کار رودررو با زنان ایرانی در سطح گسترده، آگاهی از نیازها و مشکلات حقوقی آنها در زندگی روزمره و در نهایت افزایش آگاهی و حساسیت آنان در زمینه مسائل حقوقی و نابرابری های حقوقی زنان و مردان، از دیگر اهداف این کمپین هستند که از طریق ارتباط چهره به چهره برای جمع آوری امضاها دنبال می شود. در این نشست جمعی از وکلا، دانشگاهیان، هنرمندان و نویسندگان پیرامون ضرورت تغییر قوانین تبعیض آمیز حوزه زنان سخن خواهند گفت و فعالان زن شرکت کننده در کمپین، این طرح را معرفی می کنند. اولین جلسه از سلسله نشست های «تاثیر قوانین بر زندگی زنان»، امروز، یکشنبه ۵ شهریور از ساعت ۱۷ الی ۲۰ در سالن موسسه رعد به نشانی: شهرک غرب، فاز ۲، خیابان هرمزان، خیابان پیروزان جنوبی، روبه روی خیابان ششم برگزار می شود.

واگذاری مرکز زنان و دختران آسیب دیده

ایسنا: دکتر محمد نفریه مدیرکل بهزیستی استان تهران گفت: مرکز نگهداری زنان و دختران آسیب دیده «امیدوار» چندی پیش بر اساس حکم قضایی پلمب شد. وی تصریح کرد: مرکز امیدوار به همراه ۷ ملک دیگر به عنوان مراکز نگهداری کودکان بی سرپرست و زنان آسیب دیده طی مقاوله نامه ای در اختیار سازمان بهزیستی قرار گرفت و این سازمان به دلایل مختلف از جمله داشتن بدهی صاحبان پیشین، تنها موفق شد سند دو ملک را به نام کند و بنیاد مستضعفان نیز به استناد مصادره ای بودن این املاک ادعای مالکیت کرد. نفریه گفت: در آخرین توافقنامه ای که میان سازمان بهزیستی و بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی در چند سال گذشته به امضا رسید، مقرر شد که به ازای صدور سند مالکیت این ۶ ملک به نام بهزیستی، این سازمان ملک دیگری را به بنیاد مستضعفان تحویل دهد و این توافق عملیاتی نشد. وی خاطرنشان کرد: پس از اخذ حکم تخلیه از سوی بنیاد مستضعفان برای ملک امیدوار و پلمب این مرکز تا تعیین تکلیف آن با وجود دستور معاون اول رئیس جمهور، مقرر شده بود نمایندگان بنیاد مستضعفان و بهزیستی برای مصالحه بر سر این ملک به مذاکره بنشینند، ولی نمایندگان بنیاد مستضعفان برای مذاکره حاضر نشدند. نفریه معتقد است: مرکز «امیدوار» تنها مرکزی بود که زنان آسیب دیده با بیشترین میزان آسیب دیدگی نگهداری می شدند و در حال حاضر این افراد در کنار زنان و دختران با سطح کمتر آسیب دیدگی نگهداری می شوند. مدیرکل بهزیستی استان تهران اظهار کرد: علاوه بر مرکز «امیدوار» دادخواست برای صدور حکم تخلیه سه مرکز دیگر سازمان بهزیستی استان تهران صادر شده است. به گفته وی با این روند وضعیت مراکز نگهداری و ساماندهی کودکان بی سرپرست و زنان و دختران آسیب دیده با مشکل مواجه می شود.

نقش آموزش و تربیت نیروهای حرفه ای در مسیر توسعه پایدار

آموخته های بی حاصل ما

عبدالعظیم گلچین

مطلب زیر خلاصه شده یک گزارش تحقیقاتی کامل درباره نقش آموزش و تربیت نیروهای حرفه ای برای قرار گرفتن در مسیر توسعه پایدار است که در آن به تفصیل درباره نقش آموزش همراه با اعداد و ارقام و نمودار توضیح داده شده است اما به دلیل محدودیت صفحه، ناچار به انتشار بخش هایی از این گفتار شدیم.

...

توسعه، تغییر حال است به احسن الحال. دعای تحویل سال، دعای توسعه است. وقتی که می خوانیم یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبرالليل و النهار یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال، از او می خواهیم ما، خانواده ما، اداره ما، سازمانی که در آن کار می کنیم، شهر ما، استان ما، کشور ما، جامعه ما، دولت ما، افکار ما، دید ما، بینش ما و دنیای ما را به بهترین شکل تغییر دهد و به بهترین احوال تبدیل کند. از او می خواهیم به ما کمک کند تا تغییر کنیم. ما را از لاکی که در آنیم به در آورد و به بهترین موجود، مبدلمان کند و در یک کلام، ما را در همه ابعاد «توسعه» دهد. او خودش نیز همین وعده را داده است، اما با یک شرط و شرط این است که ما، ابتدا از درون و در درون خود تغییراتی بکنیم تا مستحق اجابت او شویم. ما ابتدا باید حرکت کنیم و سپس از او برکت بخواهیم. برای حرکت باید وسیله ای مطمئن فراهم کنیم، نقشه درستی داشته باشیم و جامعه ای همراه، هم رای و مسلط به راه. وسیله حرکت، همان سازمان یا جامعه سیستم دار است. نقشه، برنامه ریزی است و همراهان، انسان های کاردان و حرفه ای هستند که کار را نیمه کاره رها نکنند. این افراد هم در مدیریت و سازماندهی نقش دارند و هم در برنامه ریزی و هم در طی کردن راه. پس باید هم دانا باشند و هم توانا و هم متعهد و هم اهل سلوک و تعامل. تعامل یعنی ایجاد ارتباط درست و سازنده بین تولید منابع و مصرف آنها. تعامل یعنی رد و بدل کردن بهنگام اطلاعات مالی، کالا، مواد، مصالح، علم، تکنولوژی، فرآیند، روش، برنامه ریزی و تولید فکری در سازمان... و انجام همه این کارها برمی گردد به «انسان»؛ انسانی که برای کشیدن بار امانت او قرعه فال به نامش خورده است.

■ پای بست بنای توسعه

ما با قافله تغییر و تحولات جامعه جهانی که مدام در تاثیرگذاری و تاثیرپذیری از آنهاییم فاصله زیادی داریم. سازمان های ما کوچک و کم توان مانده اند و در صحنه های رقابت ملی و بین المللی بسیار آسیب پذیرند. کارکنان سازمان های ما برای استفاده کاربردی از تمامی ظرفیت های علمی تحصیل شده در مراکز علمی تربیت نمی شوند. دیدگاه سیستمی در سازمان ها وجود ندارد و تغییرات ضروری و چگونگی انجام آنها، به منظور بهبود مستمر کیفیت فعالیت های سازمان، هنوز امری غریب است و باور عام نیافته است. به دلیل فقدان نیروهای با کیفیت و کاردان حرفه ای در جامعه جهت استقرار، راهبری، اجرا، حفظ و نگهداری سیستم های مدیریتی، با پروژه ها، براساس معیارهای پیشرفته و پذیرفته شده جهانی برخورد نمی شود. این حقیقت فهمیده نشده است که بسیاری از کارهایی که می کنیم، اعم از کوچک یا بزرگ، بااهمیت یا کم اهمیت، ماهیتی پروژه ای دارند و درک عمیق، از اهمیت نقش مدیریت پروژه در تقلیل زمان و هزینه و تضمین کیفیت پروژه، هنوز در کتاب ها است و به جامعه سرایت پیدا نکرده است. باور عمیق به این حقیقت که بزرگترین سرمایه سازمان ها نیروی انسانی آنها است، در حد تعارفات معمول روزمره مانده و در عمل، همانند بسیاری چیزهای دیگر، فهمیده نشده است. نه ریشه این مسائل به خوبی شناخته شده است و نه ضرورت ارتقای توانمندی و ایجاد شرایط لازم برای پایداری و ماندگاری سازمان هایی که کار پروژه ای می کنند، به عنوان یکی از عمده ترین پتانسیل های کارآفرینی در کشور شناخته شده است. ابعاد مختلف فقدان نیروهای آموزش دیده حرفه ای اعم از نیروهای مدیریتی بالادستی، اجرایی، عملیاتی، ستادی، خدماتی، فنی و پشتیبانی در کشور هنوز، نه به وسیله اشاعه دهندگان آن لمس شده و نه توسط منکرین آن به نقد کشیده است. اما متاسفانه به علل اصلی و راهکارهای برون رفت از این معضلات پرداخته نشده است. از وجود ضعف قوانین حاکم در تبیین و تنظیم روابط درست بین دولت و اربابان صنایع و خدمات بسیار ناله می شود، اما ریشه های آن ناشناس مانده است. بسیاری از قوانین و آیین نامه های جاری در زمینه های امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، مالی، بانکی و گمرکی در کشور که ماهیت ضدتوسعه ای دارند، دیری است که به مجالس و محافل گوناگون راه یافته اند، اما ریشه یابی علل آنها از مرحله شناخت علت قریب فراتر نرفته است و بسیار زمان نیاز دارد تا به علت بعید برسد. ضعف شدید و مزمن قوانین در کشور برای پشتیبانی از فعالیت های بخش خصوصی و نقش بی حد و مرز رقابتی دولت در حتی جزیی ترین فعالیت های مدیریتی، اقتصادی و اجرایی با این بخش بسیار مهم اجتماعی و همچنین نسبت به شدت مغشوش و وارونه نقش کنترلی دولت و مردم نسبت به یکدیگر، پرسشگر نبودن مردم و پاسخگو نبودن دولت، بیداد رشوه خواری، رانت خواری و سوءاستفاده از قدرت اموری نیستند که حداقل بر منتقدین اجتماعی مستور مانده باشند.

در عصر ما کلیه مشاغل در سطح جهانی اعم از تولید یا خدمات از هر نوع که باشند، اولاً استاندارد شده اند و ثانیاً از لحاظ شغلی، حرفه ای شده اند و دولت ها و قوانین شان هم به طور کامل در تمام صحنه های اقتصادی ملی و بین المللی، از اربابان صنعت و خدمات حمایت کامل می کنند. انجام کار حرفه ای در عصر حاضر، به شدت به داشتن دانش، ابزار، روش، تکنولوژی و مهارت فنی نیاز دارد. ما دانش را داریم، ابزار و تا حدی تکنولوژی را نیز می توانیم ولو به بهای گزاف از خارج بخریم و وارد کنیم. اما مهارت و روش را که مطلقاً به انسان برمی گردند نداریم و نمی توانیم آن را به سادگی به دست بیاوریم، ولی البته می توانیم آن را وارد کنیم، همان طور که عرب ها از برکت دلارهای نفتی شان وارد کرده اند. عمده درآمد را به دیگران داده اند و قدری هم که با توجه به جمعیت شان بسیار بیش از نیازشان است، خود بهره مند می شوند. اما اگر ما بنا داشته باشیم که خودمان کارهای خودمان را بکنیم، یک مسئله داریم و اگر بنا باشد دیگران کارهای ما را انجام دهند، موضوع به کلی متفاوت خواهد بود، یعنی ما با نوعی دیگر از مسائل مواجه هستیم. انجام هر کاری، حتی حرکت از یک نقطه به نقطه ای دیگر، یک کار پروژه ای است، از دم کردن یک قوری چایی تا پخت کیک اتمی و فتح آسمان. و مستلزم اعمال تغییر است. کار پروژه ای، هر چه که باشد اولاً نیاز به تشخیص و تبیین آنچه که قرار است تغییر کند دارد. ثانیاً چگونگی انجام تغییرات باید مشخص و به دقت تعریف شود. و ثالثاً آنچه که باید در عمل صورت پذیرد مشخص شود. اولی مربوط به مدیریت استراتژیک است که براساس آن باید برنامه حرکت استراتژیک روشن شود. دومی مربوط به مدیریت پروژه است، که داستانی بسیار وسیع و شنیدنی دارد و در کشورهای پیشرفته شاید، بزرگترین بها به آن داده شده است. و سومی مربوط می شود به مدیریت عملیات که آن هم به نوبه خود دریایی مطلب به آن وصل می شود. ما به دلیل نپرداختن به امر آموزش و تربیت نکردن نیروهای حرفه ای مورد نیاز در کشور، انجام کارها را، آنقدر در نظرگاه خود و مردم عادی آسان کرده ایم تا هرکس بتواند به راحتی خود را واجد همه شرایط لازم برای دخالت در اموری کند که هیچ مهارت و تبحری در آن ندارد و اصلاً هم به فکر کسب مهارت نیفتد. شناخت لطمه ها و خساراتی که از این رهگذر متوجه سرمایه های ملی شده و همچنان می شود، نیاز به یک بررسی عمیق و جداگانه دارد که اگر عمری باقی بود به آن خواهیم پرداخت. تقریباً متوسط عمر ما، بازماندگان مدیران در دولت و بخش خصوصی اعم از تولید یا خدمات و غیره در کشور حدود ۵۰ سال است. این بدان معنی است که هر کدام از ما به طور متوسط ۲۵ سال از عمر خود را صرف آنچه که می بایستی می کردیم، نکرده ایم. ما به جای اغتنام فرصت آن را سوزانده ایم. آنان که رفتند شاهد مرگ آرزوهایشان شدند و ما که مانده ایم از آنچه که می بینیم رنج می کشیم. ما به جای آنکه سیستمی عمل کنیم هیاتی عمل کرده ایم. و علت اینکه در قفس تنگ دنیا به رنج افتاده ایم آن است که از شکر نعمت فرصت هایی که در باغ داشته ایم غفلت کرده ایم. به عبارتی کفران نعمت کرده ایم و به مشکل افتاده ایم. گرفتاری این است که، در حالی که دنیا به شدت در مسیر ارتقای توانمندی و پایداری سازمان های حرفه ای و سالم سازی محیط های کاری و قرار گرفتن در مسیر توسعه پایدار است ما، برای ارتقای توان خود، قدمی برنداشته ایم. این همان تغییر کیفی بوده است که ما می بایستی در نفس خود می کردیم تا جامعه ما مستحق رحمت تغییر او شود.

■ فاجعه ای به نام کنکور

هیچ وقت به فکر این موضوع نیفتاده ایم که آن همه رنج و زحمتی که از ابتدای تحصیل فرزندانمان تا به اصطلاح فارغ التحصیلی شان کشیده ایم و می کشیم، به همراه هزینه هایی که پرداخته ایم چرا عقیم است و بالندگی ندارد. همه می دانیم برای آماده شدن فرزندانمان در محشر کبرای کنکور، خانواده ها چه رنجی می کشند و چند بار زیر بار دردش می زایند به این امید که در یک زمان چندساعته و در یک نبرد کاملاً اتفاقی و نابرابر، سرنوشت گلادیاتوری را که طی چند سال به جان پرورده اند، در قفسی به نام کنکور با شیر درنده ای که میزان درندگی اش غیرقابل پیش بینی است برای همیشه تعیین کنند و اگر برنده شد، تازه او را به انبوه جمعیتی بسپارند که از آموخته هایش نمی تواند استفاده کند. بعضی ها می گویند و حساب هم می کنند که خانواده ها هرساله حدود ۵۰۰ میلیارد تومان برای این روز بی حاصل هزینه می کنند. بعضی ها این حساب را به ۱۷۰۰ میلیارد تومان می رسانند و برخی به ۲ هزار میلیارد تومان. اما بیایید ما روی هزار میلیارد تومان توافق کنیم و آن را با نتیجه ای که می گیریم مقایسه کنیم. این نبرد بی حاصل متاسفانه از روزهای آغازین تحصیل فرزندانمان شروع می شود و در روز کنکور به اوج خود می رسد. در مقایسه با کشورهای پیشرفته که اغلب ما شاهد آن هستیم، قطره ای است در مقابل دریا. گردش کار مالی سالیانه بزرگترین سازمان های اجرایی، که ما فارغ التحصیلان دانشگاه ها، سیاستگزاران، مدیران و گردانندگان آنها هستیم، اگر صرفاً ایرانی باشند و به تنهایی کار کنند، به طور متوسط به زحمت به یک بیستم میلیارد دلار می رسد. یعنی حدود ۴۰ میلیارد تومان در سال است. این رقم در مقابل ارقام مطرح در سطح جهانی کاهی است در مقابل کوهی و آنانی که با حساب و کتاب آشنایند، هم می دانند که با آن هزار میلیارد تومان چه می توان کرد و هم با آن ۴۰ میلیارد تومان چه نمی توان کرد.

■ پلی برای کاربردی کردن آموخته ها

بین محیط تحصیل و محیط کار، یک رودخانه فرضی خروشان، یا یک دره عمیق وجود دارد که گذر از آن به سادگی میسر نیست. کسانی که به هر زحمت از این رودخانه یا دره می گذرند و چنگشان به شغلی می رسد و به اصطلاح جذب محیط کار می شوند، هنوز به پایان خط نرسیده اند. مشکلات این افراد از سویی و مسائل کارفرمایان از طرف دیگر تازه در این مرحله، سر از خاک بیرون می کند. این افراد به علت وجود تفاوت ماهوی بین محیط تحصیل و محیط کار اعتماد به نفس و شهامت کافی را در مواجهه با مسائل محیط کار ندارند. محیط تحصیل با کتاب و دفتر سر و کار دارد و محیط کار با کاربرد آموخته ها و بحث اصلی این است که اساساً آموخته ها در محیط تحصیل کاربردی نیستند. برای کاربردی کردن آموخته ها باید راه و روشی متفاوت انتخاب کرد. خب، راه و روش چیست؟ قبل از اینکه به توضیح راه حل پرداخته شود لازم است این نکته بسیار مهم را یادآور شویم که مشکل اصلی بشر همیشه انتخاب راه بوده است و دلیل اینکه ما این همه از او می خواهیم که ما را به راه راست هدایت کند و لحظه ای هم به خود وانگذارد همین است. در انتخاب راه و روش، بهتر است به تجربه بشر و به خصوص تجربیات موفق آن احترام بگذاریم و از آنها استفاده کنیم. ضرورتی ندارد که ما چرخ چاه را مجدداً اختراع کنیم. آنچه که کشورهای توسعه یافته کرده اند این است که بر روی این رودخانه خروشان یا دره فرضی، پلی فرضی زده اند که عبور از آن را ساده کنند. ما نام این پل را گذاشته ایم «پلی برای کاربردی کردن آموخته ها». شما هم با من موافق باشید که به این شکل و ترتیب اولاً در کشور ما چنین برنامه ریزی و سازمانی وجود ندارد و ثانیاً راه بهتر و کارآمدتری هم تجربه نشده است.

احداث این پل، یک راه حل موفق جهانی است که نادیده گرفتنش با خردورزی منافات دارد. این یک حلقه ایجاد نشده در زنجیر توسعه کشور ما ایران است که باید هرچه سریع تر ایجاد شود. شناخت و ایجاد درست این حلقه بزرگترین نقش را در تکمیل زنجیره توسعه کشور ما ایفا خواهد کرد. ایجاد این حلقه حتی قبل از خشت اول است که اگر معمار کج نهادش دیوارش تا ثریا کج می رود. این حلقه، حلقه اول است. این حلقه همان پای بست است. که خشت اول چه راست باشد و چه کج، باید بر روی آن بنا شود. اگر این حلقه ایجاد شود، تازه باید به فکر راست گذاشتن خشت اول افتاد، اما اگر این حلقه ایجاد نشود خانه از پای بست ویران خواهد بود. آموختن و آموزش دادن که اولین مصداق تغییر در «نفس» هستند و موجب تغییر در «قوم» می شوند، عمده ترین هدف بعثت انبیا و وظیفه آنها بوده است.

پس ما یک پای بست داریم، یک خشت اول داریم و یک دیوار و سپس سقف و سایر لوازم. هرکدام از آنها هم درجه و مرتبه اهمیت مخصوص به خودشان را دارند. وقتی ما با یک موضوع برخورد می کنیم باید معین کنیم که از کدام دسته و طایفه است. درجه اهمیت آن را مشخص کنیم و اولویت آن را نسبت به سایر مسائل تعیین و پیش نیازش را نیز تبیین کنیم. پای بست بنا، توسعه آموزش است. مثل آموزش چگونگی کشت گندم و تهیه نان، آموزش صید ماهی، آموزش شناخت حقوق فردی، اجتماعی، طبیعی، انسانی، آموزش شناخت و انجام مسئولیت های اجتماعی، آموزش به دست آوردن و حفظ آزادی، آموزش استقرار و پاسداشت دموکراسی، آموزش چگونه رشد کردن و چطور به «او» رسیدن و «او» شدن.

اما آموزش که پای بست بنای توسعه است اصولاً از زمان بستن نطفه و یا به عقیده بعضی ها حتی قبل از آن باید شروع شود ولی بر روی پل فرضی ما معمولاً افرادی حداقل با ده کلاس سواد، برای کاربردی کردن آموخته های خود در محیط تحصیل و یا یادگیری موضوعات جدیدی که آینده خود را در آن می یابند، می توانند سوار شوند، تا سطح دکترا یا PHD. مدت زمان دوره های آموزشی روی این پل به عوامل مختلفی بستگی دارد اما بررسی ها نشان می دهد که زمان آموزش از حدود ۴۰ تا هزار ساعت متغیر است. جالب است افرادی که سال ها تجربه کاری دارند هم باید حداقل سالی یک بار سوار این پل شوند و با گذراندن دوره ای اطلاعات و توانایی های کاربردی خود را ارتقا دهند. در کشورهای پیشرفته، برای بروز کردن اطلاعات و افزایش توانایی های فردی حداقل ۴۰ ساعت آموزش جدید در سال را قائل هستند و گذراندن توام با موفقیت این دوره های آموزشی را مبنای ارتقای شغلی آن افراد قرار می دهند.

اما برای اینکه بدانیم مخاطبین آموزش چه کسانی هستند، ابتدا لازم است به توزیع تراکم جمعیت در کشورها اشاره شود. از لحاظ ترکیبی، تراکم جوامع مورد نظر ما با تقریب اندکی که بیشتر به نحوه ارزیابی متخصصین علوم اجتماعی و اقتصادی مربوط می شود و نه اصل موضوع، در یک شکل مقایسه ای بین کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و عقب افتاده با اندکی کم و زیاد وجود دارد. در حقیقت مخاطبین آموزش همه کسانی هستند که در ترکیب اجتماعی به عنوان عناصر ایجادکننده تراکم جامعه جای می گیرند و درصدهای مناسب آنها در دانه بندی اجتماعی موجب «قوام» و کیفیت این دانه ها موجب «دوام» جامعه است. ما در کشور خود امکانات و منابع زیادی داریم. مشکل ما این است که نمی دانیم چگونه باید از امکانات و منابع استفاده کنیم. مثلاً ما منابع مالی زیادی داریم اما چگونگی مصرف آنها را نمی دانیم. یا منابع اطلاعاتی زیادی داریم اما روش مصرف اطلاعات را نیاموخته ایم. پس ما ابتدا باید بیاموزیم چگونه منابع و امکانات را مصرف کنیم. کافی است آنها را بشناسیم و بیاموزیم چگونه هدایت شده از آنها استفاده کنیم. اگر این کار را بکنیم حتماً موفق می شویم. شک نداشته باشید. فقط دیدگاه ما باید این باشد که فرصت سوزی موقوف.

اینک در دنیا ثابت شده است که آموزش و تربیت انسان حرفه ای نیاز اول جوامع و سازمان های اجتماعی است و تعریف انسان به عنوان یک موجود اجتماعی فقط در سازمان اجتماعی میسر است. اگر سازمان پیشرفته باشد انسان نیز پیشرفته خواهد بود و برعکس اگر سازمان عقب افتاده باشد انسان نیز عقب افتاده خواهد بود. سازمان در صورتی پیشرفته محسوب می شود که مشخصاتی قابل تعریف و اندازه گیری داشته باشد تا با بهره جویی از این مشخصات و اندازه ها، قابلیت کنترل، ارزیابی و هدایت و مدیریت و بهبود و رشد و توسعه را پیدا کند. معیار سنجش پیشرفته بودن سازمان ها و جوامع در روزگار حاضر میزان و درصد حرفه ای بودن آن سازمان ها و جوامع است. سازمان ها و جوامع نمی توانند حرفه ای باشند مگر اینکه اعضا و جوارح آنها که همان منابع انسانی آنها است حرفه ای شوند و این مهم محقق نمی شود مگر اینکه تمامی افراد جامعه با سنجشی درست در مراکزی که برای این منظور تاسیس شده اند تحت نظر مربیان مجرب و آموزش دیده و حرفه ای آموزش داده شوند. ثالثاً: فقط ایجاد و استقرار یک جامعه حرفه ای است که تضمین کننده دوام و بقای هر کشور و حرکت آن به سوی آینده ای امیدوارکننده است. در یک جامعه حرفه ای ساختار سازمانی به گونه ای است که نه تنها هر کار یک متصدی و متولی خواهد داشت بلکه به هر انسان وظیفه و ماموریتی خاص و منطبق با آنچه که آموخته است محول خواهد شد. منابع انسانی که با انجام چنین ماموریتی ساخته و پرداخته و تحویل سازمان ها می شوند، بزرگ ترین سرمایه ها در ساختار تشکیلاتی آنها محسوب می شوند. باید در پی جا انداختن این تفکر باشیم که سازمان ها در درون خود باید به منظور مراقبت از این سرمایه ها نهادی ضروری را تحت عنوان مدیریت توانمند و آموزش دیده ای به نام مدیریت منابع انسانی به وجود آورند.

■ نقش طرح طبقه بندی مشاغل

پیاده کردن و استقرار کامل طرح طبقه بندی مشاغل است که می تواند خط پایانی به این معضل بکشد. بدون استقرار طرح طبقه بندی مشاغل با عنایت به فلسفه آن، نمی توان جامعه ای حرفه ای داشت. شناخت حقوق و مسئولیت های اجتماعی که یکی از بزرگ ترین و ریشه ای ترین مسائل جوامع است، فقط در سایه استقرار کامل طرح طبقه بندی مشاغل میسر است. امری که اصلاً به این شکل، تا این لحظه در کشور ما دیده نشده است. ارتقای مهارت های فردی به منظور کاربردی کردن یافته های علمی بدون استثنا و به صورت همزمان و در هماهنگی کامل باید در کلیه سطوح ساختار اجتماعی اعمال شود تحقق چنین هدفی فقط از رهگذر آموزش حرفه ای آحاد جامعه ممکن است تا با تعلیم لازم و آموزش حرفه ای قابلیت جانمایی در ساختار سازمان جامعه حرفه ای را پیدا کنند. چون ایجاد جامعه حرفه ای تنها راه قرار گرفتن در مسیر توسعه پایدار است. لذا حوزه تاثیر آموزش کل جامعه را دربرمی گیرد، نه اقشار خاصی را. نمی شود برای امر آموزش به عده ای پرداخت و عده ای را رها کرد. هدف آموزش تولید انسان حرفه ای است. همه افراد جامعه هدف آموزشند. اگر مادری بخواهد نوزادی کامل داشته باشد نمی تواند فقط یک ذره حامله شود. آموزش باید از صدر تا ذیل را شامل شود و اتفاقاً اگر بخواهیم اولویت قائل شویم که باید بشویم ابتدا باید از دانه های درشت جامعه شروع کرد. مدیران جامعه، مسئولین دولتی، مدیران موسسات بزرگ و همه آنهایی که خود را همیشه در جایگاه مصلحین و نصیحت کنندگان جامعه قرار می دهند و مرگ را فقط برای همسایه می دانند بیشتر باید تحت آموزش قرار گیرند. مثلاً باید به دولت و افراد آن آموزش داد که معنی خدمتگزار و دولت خدمتگزار در عمل یعنی چه. خدمتگزاران معمولاً مورد سئوال و کنترل و بازخواست قرار می گیرند نه برعکس.

دیگران

هشدار سازمان جهانی طبیعت درخصوص مشکل کمبود آب در جهان

ایسنا: کشورهای ثروتمند به گونه ای ناصحیح از آب استفاده می کنند. اروپا تا سال ۲۰۷۰ با مشکل جدی کمبود آب مواجه می شود. جدیدترین گزارش سازمان جهانی طبیعت حاکی از آنست که کشورهای ثروتمند به گونه ای از آب استفاده می کنند که گویی آب منبعی بیکران است و با روند کنونی تا چند دهه دیگر همه کشورها با مشکل کمبود آب مواجه خواهند شد. منابع خبری اعلام کردند: به مناسبت هفته جهانی آب کارشناسان برای بحث و بررسی درخصوص مدیریت منابع محدود آب در استکهلم سوئد گرد آمده اند. بنا به گزارش سازمان جهانی طبیعت کشورهای ثروتمند نمونه های نامناسبی از مدیریت آب هستند به شکلی که این کشورها موارد نشت آب از لوله ها را ترمیم نکرده و از روش های آبیاری مبتنی بر استفاده زیادی از آب در کشاورزی استفاده می کنند.

گزارش ها نشان می دهد آمریکای شمالی و ژاپن بیش از بقیه کشورهای جهان آب مصرف می کنند و مصرف سرانه این کشورها ۳۵۰ لیتر در روز است و تا دهه ۲۰۷۰ کشورهای اروپایی با مشکل جدی در زمینه تامین آب مواجه خواهند شد.

ناامنی مکاتب افغانستان را تعطیل می کند

بی بی سی: وزارت معارف (آموزش و پرورش) افغانستان هشدار داده است که اگر امنیت مکاتب و کارمندان معارف در ولایات این کشور تامین نشود، مکاتب را تعطیل خواهد کرد. حنیف اتمر وزیر معارف افغانستان که در جمع والیان و فرماندهان پلیس این کشور صحبت می کرد، گفت در حال حاضر در ۲۷ ولایت افغانستان مکاتب و آموزگاران «اهداف اصلی تروریست ها و جنایتکاران» هستند. در حالی که به گفته اتمر در سه ماه پیش حمله به کارمندان معارف و مکاتب در ۱۰ تا ۱۵ ولایت افغانستان صورت می گرفت. به گفته اتمر ظرف یک سال گذشته ده ها آموزگار افغان کشته شده و صدها مکتب نیز یا تعطیل شده و یا به آتش کشیده شده است. اتمر گفت معارف افغانستان با بحران جدی روبه رو است و تاکید کرد که اگر در حل این بحران اقدام فوری نشود، دروازه های مکاتب را خواهد بست. او گفت: «برای من سلامت دانش آموزان و آموزگاران مهمتر از معارف است و اگر جان اینها (آموزگاران و دانش آموزان) در خطر باشد حاضر نخواهم بود مکاتب را فعال نگه دارم.» اتمر در عین حال تاکید کرد که آینده افغانستان وابسته به معارف است. او خطاب به والیان و فرماندهان پلیس افغانستان گفت که تنها راه برای نجات معارف از وضعیت کنونی، اتکا به مردم و شوراهای محلی است. به باور اتمر اگر مردم محل شوراهایی را برای دفاع از معارف ایجاد کنند، حمله به کارمندان معارف پایان خواهد یافت. او گفت در برخی مناطقی که چنین شوراهایی ایجاد شده رقم حمله به آموزگاران کاهش یافته است.

یک کفاش آلمانی بزرگترین کفش زنانه را به قدبلندترین زن دنیا اهدا می کند

ایرنا: یک کفاش آلمانی در این هفته با سفر به چین سه جفت کفش مخصوص را به «یائو ده فن» قدبلندترین زن جهان که در این کشور زندگی می کند، اهدا می کند. «گئورگ وسلز» متخصص دوختن کفش های بزرگ جهان از مدت ها پیش در پی قدبلندترین زن جهان می گشت تا کفش های دست دوز خود را به وی هدیه دهد. «ده فن» که دو متر و ۳۶ سانتیمتر قد دارد، کشاورز است و در منطقه «انهوی» در شرق چین زندگی می کند. وسلز با ارسال پیامی به این زن چینی از وی درباره جنس کفش و رنگ دلخواه او سئوال کرده است. ده فن در پاسخ به این کفاش آلمانی گفته است به رنگ و مدل کفش اهمیت نمی دهد و تنها یک کفش راحت می خواهد. سایز کفش این زن چینی براساس استانداردهای اروپایی «۵۷» است. وسلز پیش از این با دوختن یک جفت کفش مردانه با سایز «۶۹»، رکورد ساخت بزرگترین کفش جهان را در کتاب گینس از آن خود کرده است. این زن چینی از ماه ژوئن برای مقابله با یک غده مغزی که باعث ترشح بیش از حد هورمون رشد و بلند شدن بی سابقه قد وی شده، تحت درمان قرار گرفته است.

پنجمین مورد از وجود آنفلوآنزای مرغی در ویتنام تائید شد

ایرنا: مقامات ویتنام از کشف پنجمین مورد از آنفلوآنزای مرغی در ماه جاری خبر دادند که بیم از بازگشت احتمالی ویروس مهلک H5N1 به این کشور را برانگیخته است. براساس آزمایش های انجام شده، ابتلای مرغابی های استان «مکونگ دلتا» در ایالت «بن تره» در جنوب ویتنام به این ویروس تائید شده است. در اوایل ماه جاری نیز، نتایج آزمایش های تصادفی در شهر «تان فو» در ایالت بن تره، وجود ویروس آنفلوآنزای مرغی در دو مرغابی و دو قو را تائید کرده بود.

مردم استرالیا ۷۶۰ میلیارد دلار بدهی دارند

ایرنا: هشت میلیون خانوار استرالیایی روی هم رفته ۷۶۰ میلیارد دلار به شکل های مختلف بدهکارند که به این ترتیب میانگین بدهی هر خانوار به ۹۵ هزار دلار می رسد. خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از روزنامه استرالیایی «ایج» (عصر) و با استناد به گزارشی که مرکز آمار این کشور ماه آینده منتشر می کند، گزارش داد میزان بدهی های مردم این کشور طی پنج سال گذشته دو برابر شده است. اکنون مجموع دارایی خانوارهای استرالیایی به ۱/۵ تریلیون دلار بالغ می شود. این روزنامه افزود ما استرالیایی ها ۱۱ درصد حقوق خالص خود را صرف پرداخت بهره وام های خود می کنیم در حالی که در سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ که نرخ های بهره در بالاترین سطح بودند، پرداخت بهره وام تنها ۹ درصد حقوق مردم را تشکیل می داد. این روزنامه به نقل از «یان مک فارلین» رئیس کل بانک مرکزی استرالیا نوشت میزان بدهی خانوارها می تواند از این هم به مراتب بیشتر شود.

ترحیم

در شب جمعه اول ماه شعبان، روح بلند و قلب بی آلایش همسر و پدر مهربانمان
سیامک علا
با دنیای خاکی وداع گفت و در آشیانه ای که خداوند برای کبوتران آسمانی خویش فراهم کرده است، آرام گرفت. به همین مناسبت در مجلس یادبود روز یکشنبه ۸۵/۶/۵ از ساعت ۱۷ تا ۱۸/۳۰ در مسجد الجواد (ع) واقع در میدان هفتم تیر نایاورانه به سوگ می نشینیم و به یاد معصومیت پایان ناپذیرش اشک حسرت می افشانیم.
از طرف همسر داغدیده: منیژه احمدی
فرزندان داغدار: نازیلا و تادیا علا
و خانواده های وابسته

بازگشت همه به سوی اوست
با نهایت تاثر و تاسف درگذشت مدیری فداکار و دلسوز شادروان
سید حسن سید محسنی
(عضو هیات مدیره و معاونت اداری مالی گروه لؤلؤ)
را به استحضار دوستان ارجمند و آشنایان گرامی می رساند.
به همین مناسبت مجالس بزرگداشت و یادبود به شرح ذیل برگزار می گردد:
– مراسم ختم روز یکشنبه ۸۵/۶/۵ از ساعت ۴/۳۰ تا ۶/۳۰ بعدازظهر در حسینیه مرکزی لوین درکه.
– مراسم یادبود از سوی همکاران روز دوشنبه ۸۵/۶/۶ از ساعت ۳ تا ۴/۳۰ بعدازظهر در مسجد امام جعفر صادق (ع) واقع در مابین فلکه اول و دوم صادقیه.
– مراسم شب هفت روز چهارشنبه ۸۵/۶/۸ از ساعت ۴/۳۰ تا ۶/۳۰ بعدازظهر در حسینیه مرکزی لوین درکه.
حضور دوستان و آشنایان و همکاران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
هیات مدیره، کارکنان و همکاران آن مرحوم
در گروه شرکت های لؤلؤ

تسلیت

جناب آقای سعید فریور
مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت می گوییم. برای آن مرحوم مغفور رحمت و آمرزش و برای بازماندگان محترم بردباری و شکیبایی آرزومندیم.
از طرف دوستان: نجفی، دماوندی، طهماسبی

بازگشت همه به سوی اوست
جناب آقای دکتر محمد شریف ملک زاده
معاونت محترم سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری
همدردی عمیق و تسلیت صمیمانه ما را به مناسبت درگذشت مادر گرامیتان بپذیرید.
آمرزش و غفران برای آن مرحومه و صبر و سلامتی برای شما و سایر بازماندگان محترم از خداوند منان مسئلت داریم.
مهاجری و شرکا

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از بستگان، دوستان و آشنایانی که ما را در ایام طاقت فرسای سوگ عزیز از دست رفته مان
بانو فرو